

کتاب‌شناسی توصیفی آثار

دکتر محمد علی موحد

به اهتمام:

محمد طاهری خسروشاهی - علی سلمانی

مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز

سرشتاسه
عنوان و نام پدیدآور

: طاهری خسروشاهی، محمد، ۱۳۵۷-، گردآورنده
: کتابشناسی توصیفی آثار دکتر محمدعلی موحد/ به اهتمام محمد طاهری
خسروشاهی، علی سلمانی؛ به سفارش موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و

انسانی دانشگاه تبریز.

: تبریز: دانشگاه تبریز؛ انتشارات، ۱۳۹۳.

: ۱۶۷ ص.

: انتشارات دانشگاه تبریز؛ ۶۲۶.

: ۹-۱۳-۷۲۰۴-۶۰۰-۹۷۸

: فبا

: موحد، محمدعلی، ۱۳۰۳ - - - کتابشناسی

: سلمانی، علی گردآورنده

: دانشگاه تبریز، موسسه علوم اسلامی - انسانی

: دانشگاه تبریز، انتشارات ***

: ۱۳۹۳ ۱۳۲/ط۲/۸۸۲۱ Z

: ۰۱۶

: ۳۴۶۲۷۸

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

مغیا فهرست نویسی

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

شناسه افزوده

ردیفی کنفرانس

رده بندی یو بی سی

شماره کتابخانه ملی



دانشگاه تبریز

انتشارات دانشگاه تبریز

کتابشناسی توصیفی آثار

دکتر محمدعلی موحد

به سفارش:

مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز (سه علامه)

به اهتمام:

محمد طاهری خسروشاهی - علی سلمانی

ناشر و فروست:

انتشارات دانشگاه تبریز؛ ۲۶

تاریخ و نوبت چاپ:

۱۳۹۳ - اول

شمارگان:

۱۰۰۰ نسخه

شابک

۹-۱۳-۷۲۰۴-۶۰۰-۹۷۸

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات دانشگاه تبریز

این اثر به پیشنهاد و سفارش موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز به چاپ رسیده است و از مصوبات پژوهشی دانشگاه نیست.

نشانی: تبریز - بلوار ۲۹ همن - دانشگاه تبریز - تلفن: ۳۳۹۲۶۶۹ نمایر: ۳۳۴۲۵۶۲

فهرست

- آغاز سخن / دکتر محمدرضا پورمحمدی؛ رئیس دانشگاه تبریز ۱
- مقدمه / دکتر عباس عباسزاده؛ دکتر باقر صدری‌نیا ۷
- روزشمار زندگی و آثار استاد محمدعلی موحد / محمدطاهری خسروشاهی ۲۱

بخش اول: تألیفات استاد

- ابن بطوطه ۳۳
- باغ سبز: گفت‌وگوها با دربارفرویس و مولانا ۳۹
- خواب آشفته نفت: دکتر مصدق و نفیست ملی ایران ۴۵
- خواب آشفته نفت: از کوتای احمدشاه تا سقوط زاهدی ۵۱
- در خانه اگر کس است: اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های آن ۵۵
- در هوای حق و عدالت: از حقوق طبیعی به حقوق بشر ۵۷
- دیباچه‌ای بر حقوق مدنی ۶۳
- شمس تبریزی ۶۷
- قانون حاکم: درس‌هایی از داوری‌های نفتی ۷۱
- قصه قصه‌ها: کهن‌ترین روایت از ماجرای شمس و مولانا ۷۷
- گفته‌ها و ناگفته‌ها: تحلیلی از گزارش عملیات پنهانی سیا در کودتای ۲۸ مرداد ۸۳
- مبالغه مستعار، بررسی مدارک مودد استاد شیوخ در ادعا بر جزایر سه‌گانه ۸۵
- ملی کردن و غرامت: درس‌هایی از داوری‌های نفتی ۸۹
- نفت ما و مسائل حقوقی آن ۹۷

بخش دوم : تصحیحات استاد

ابتدا نامه	۱۰۱
اسطrolاب حق: گزیده فیہ مافیہ	۱۰۵
حدیقه الحقیقه	۱۰۹
خمی از شراب ربانی: گزیده مقالات شمس تبریزی	۱۱۵
رساله در مناقب خداوندگار مهسالار	۱۱۷
نوک الملوک	۱۲۱
مقالات شمس تبریزی	۱۲۵

بخش سوم : ترجمه‌های استاد

انرژی و عدالت	۱۳۱
گیتا (بهگود گیتا): سرو خدا یا نه	۱۳۵
مالیات سرانه و تأثیر آن در کرایش به السلام	۱۳۹
چهار مقاله درباره آزادی	۱۴۳
خزران	۱۴۷
سفرنامه ابن بطوطه	۱۵۱
فصوص الحکم	۱۵۳

آغاز سخن

دکتر محمدرضا پورمحمدی

رئیس دانشگاه تبریز

مدد از خاطر رندان طلب ای دل، ورته
کار صعب است مبدا که خطایی نکنیم
حافظ

ایران قبله دل ادیبان و عارفان و کعبه آمدن اولیاء و مقربان است و
زبان پارسی شکرینش، شاخ نبات دیوانی و سحرانوار و آذربایجان
به سان جان این کالبد، و تبریز چون نگینی در میان این میان؛ که
ترکان پارسی گویش، آبروی سخن دانانند و عالمانش مگر عجزم، و تقی
فضیلت‌های اعجاب آور این خاک با مضمون این عبارت سازشود
که «شرف المكان بالمکین»، تبریز را ارجی مضاعف می‌یابی؛ زیرا به
عیان می‌بینی فرزندان فرهیخته این شهر گوهرخیز را شأنی است که
عنقای خیال را بال رسیدن به قله اعتبار و دانش ایشان نیست.

حضرت استاد محمدعلی موحد یکی از این نادره‌مردان و طایران خوش الحان ادبیات و عرفان است که با نزدیک به یک قرن حیات پاک، طبع جوان وی هر روز میوه‌ای نو، بار می‌دهد و زلال فکرش تشنگان علم و عرفان را سیراب می‌کند؛ استاد بزرگوار ما قطبی است که اصحاب قلم به گرد او در گردش اند و شاگردان از برکات نفس‌هایش خوش.

دانشگاه تبریز بر آن است که همراه با قافله شوق دوستداران حضرت استاد، به تجلیل از این پیر روشن ضمیر شهرمان همت گمارد و از جمله این کارها با قلم بزرگان، دوستداران و شاگردانش در هیئتی وزین به زیور طبع بیاراید آریا نیک می‌دانیم که اگر قومی بر خوان تجربه بزرگان خود بشینند و بردار نعمت وجودشان باشد، راه را به سلامت پوید و بزرگی بیند.

اینک که زحمات سال‌ها سختکوش اینجانب در موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز (سه‌علامه) برای نکوداشت استاد موحد نمر داده و کتاب‌شناسی آثار استاد به همراه ارج‌نامه ارجمند ایشان در شرف دیدن آفتاب است، به واسطه وظیفه شاگردی و مسئولیتی قراردادی، تحریر تمهیدی بر این مجموعه نیز سهم ما افتاده است. به خوبی واقفم عرصه سیمرغ جولانگاه علمی استاد و نوشتن درباره چنین مردی بشکوه، تا چه میزان کاری صعب و دشوار است. لذا ورود به حوزه تخصصی آرا و آثار استاد را نه در وسع خود می‌بینم و نه در این مقال کوتاه مقدور؛ لیکن نکته‌ای چند را که سال‌ها

در آثار استاد دیده و در محضرش به گوش جان نیوشیده‌ام باز می‌گویم.

آری سخن در مناقب استادی است که طی نُه دهه از حیات گرانارش برکاتی را به ارمغان آورده که از شمار بیروند؛ مردی جامع الاطراف که مراحل سیر و سلوک عرفان رام اوست، وزن‌ها و قافیه‌ها، سخت در دام او، صنعت و سیاست عرصه‌ای دیگر از جهان‌نگاه او، و آزادی مرام او؛ او به رسم پیشه پدر به کار تجارت دست بازید و در ترجمه و تدقیق متون، بی نقص کار نموده است. در دوره مزارات آن شدن صنعت نفت، سردبیری روزنامه این صنعت را برعهده گرفت و به تنظیم دفاعیات ایران دایر بر حاکمیت حقه بر جزایر سه گانه (لیج، مکه و فارس) (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی) که مورد ادعای ناصواب نشین امارات است، کاری کرده کارستان. در کنار این‌ها، حتی از ساختن مدرسه برای جوانان زادگاهش نیز غافل نگشته و فکر فرزندان این آب و خاک را مسئله‌ای از ذهن خود نهشته است؛ گویا «به چندین هنر آراسته» است و این شعر شیوای شهریار واقعاً شایسته او که: «آنچه خوبان همه دارند تنها ما داریم».

استاد آن چنانکه از سیاق سخن، سلوک، نشستن و راه رفتش نیز پیداست، دارای حوصله و اراده‌ای پایا و دقتی کم‌نظیر در امور تحقیق و پژوهش هستند؛ همچنان که خود در مقدمه ترجمه و شرح فصوص الحکم می‌گویند «خیال تتبع در این عرصه را پس از سخنان عجیب

شمس تبریز در مورد ابن عربی سال‌ها در ذهن داشته و ایام متمادی برای این کار یادداشت برداشته و پس از فاصله و فترت ایامی چند، به شکل کتابی بسیار سودمند در اختیار جویندگان جواهر علم گذاشته است. این دقت و عدم تعجیل، ریشه در شخصیت، تربیت و منش حضرت استاد دارد و در واقع ایشان رهروی پیوسته هستند و این خصیصه اخلاقی را با سرودن قالبی جدید از مضمونی قدیمی در این دو بیت آورده‌اند:

در هر دهه می‌سپارم سال‌هاست کار من جز رفتن پیوسته نیست
گسریحه از این ناکامم هنوز جز دلی پرتاب و پای خسته نیست

خصیصه دیگر استاد هم‌گویی و گزیده‌گویی ایشان است. شاهد را از همین کتاب ارجمند شیخ فاضل بن الحکم می‌توان آورد؛ کتابی که آن را که عصاره آرای ابن عربی می‌دانند؛ عقیب آن که ابن عربی چکیده آرای خود را در ۲۷ فص آورده و استاد ما قریب ۱۰ فص اول کتاب محی‌الدین را با کمک برادر دانشمندش «صدق» شرح و ترجمه کرده و عقیده دارد: «لبّ آرای او را با مدخل‌هایی که در این شرح آورده می‌توان در همین ۱۰ فص ابتدایی پیدا کرد» و این سخن بسیار نیکو گفته است.

شمس تبریز ما آتشی داشت که نابغه‌ای چون ملای روی را شیدای خود کرد و صد افسوس هنوز پس از قرن‌ها، غبار ابهام از

تصنیفات و مقالات وی زدوده نشده بود. برای این کار خطیر، فرزندی خلف از زادگاه شمس می‌بایست، تا به انوار آثار خورشید منور شهرمان، چشمان طالبان علم را بینا کند و الحق موحد این فرزند خلف است و نوشته‌هایش درباره شمس تبریز گواه این مدعا.

نوشتن درباره این مرد بزرگ و ادای دین شایسته مقدورم نیست لذا به همین مختصر بسنده نموده و در خاتمه، تلاش‌های ارزشمند و استوار مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز برادر ارجمند حاج آقا اسلام دکتر عباس عباس‌زاده و همکاران محترمشان در این موسسه را بی‌ستای که در این کار آستین همت بالا زدند تا همچون سایه سر من (یادنامه استاد فقیه دکتر منوچهر مرتضوی) گنجینه‌ای جدید به جوندگان ادب و عرفان هدیه دهیم.

و انصر دینانا أن الحمد لله رب العالمین

مقدمه

آذربایجان در درازنای تاریخ پرفرود و فراز خود، از دیرینه‌ترین اعصار تا روزگار ما، همواره یکی از کانون‌های درخشان معنویت و فرهنگ و دانش و پیشه ایران زمین بوده است. در پهنه این سرزمین مقدس، در شیز، تبریز، شعله‌های معنویت، فضیلت و فرزاندگی، هیچگاه کسی در سینه‌های پرهول و حادثه تاریخ نیز نیفسرده و به خاموشی نگراییده است و همواره همت و دلیری فرزندان فرزانه‌اش در عرصه دانش، فرهنگ و سخنوری همانند عزم گردان و دلاورانش نستوه و استوار بوده است.

استاد دکتر محمدعلی موحد یکی از فرزندان فرهیخته و بلندهمت این مرز و بوم «غیرت سرشت» است. فرزانه‌ای است با سرانگانی که نام آنان سپهر تاریخ آذربایجان را آذینی از فر و فروغ بسته است. او به تعبیر شهریار «پیری پس از قبیله مانده» است و «گوزل‌ترین آن‌ها» قالمیشی: «همه عمر پربرکت خود را با تلاش و تکاپوی علمی و فرهنگی گذرانده است، از همان اوان کودکی با هوشمندی و بردباری آموخته است و انبوه آموخته‌های خود را در حوزه نظر و

عمل برای تعالی اندیشه‌ها، گشودن گره‌ها و دفاع از حقوق مردم ایران به کار بسته است، و اکنون نیز در آن سوی نودسالگی باوقار و آرامشی که خاص اوست همچنان با شور و اشتیاق یک جوان کنجکاو و چالاک در جستجو و پژوهش است. پیوسته می‌خواند و می‌نویسد و در مسیر دانش و پژوهش آرام و استوار گام برمی‌دارد. اگر گذر سالیان از توان جسمی او کاسته است، هرگز عزم و راده‌اش در راه حقیقت‌پزوهی نفرسوده است. عمرش بلند باد و گام‌هایش همچنان استوار.

او که گاه شعر نیز می‌سراید و اغلب برای دل خویش، حدود پنجاه سال پیش تکاپوی این تکاپوی مستمر را در شعری با عنوان «سلوک» خویش سروده است:

ره‌روم، ره می‌سپارم سال نیست	که من جز رفتن پیوسته نیست
گرچه از این رنج ناکامم نیست	جز دلی پرتاب و پایی خسته نیست
جز دلی پرتاب و پایی خسته نیست	حاصلی زان کوشش بیار من
دشمنان بر حال من شتت زنان	دوستان تو خیرکنان بر کار من
وین عجب‌تر در دل رنجور من	در بند ملت حرمان هنوز
زنده است آن شمع جادوی امید	روشن است آن شور بی‌پایان هنوز
کیستم؟ جوینده‌ای فرسوده پای	زاد راهم شمع و امید و نیاز
آشنایی نی و مقصد ناپدید	فرستی کوتاه و من بی‌دراز
می‌گدازد جانم از درد طلب	آتش‌ی دارم درون آسیندراز
در سکوت شام و در غوغای روز	در میان جمیع و دور از مردمان
چشم دل بگشوده‌ام کان بی‌نشان	از نشان خویش آگاهم کد

کو عزیز، خضر راهی کز کرم . همت خود بدرقه راهم کند
 اکنون پس از نیم قرن که از سرودن این شعر می‌گذرد، در جان
 و اندیشه او آن «شمع جادوی امید» همچنان فروزان است و آتش
 «آن شور بی‌پایان» روشن و تابناک، و سلوک او در راه آگاهی از
 نشان آن حقیقت بی‌نشان که همه عمر در جستجوی آن بوده است
 همچنان مستمر.

هر چند او در این شعر با فروتنی خود را در راه این سلوک و
 جستجو کرم می‌شمارد، اما با در نظر داشتن ویژگی‌های شخصیتی و
 کارنامه‌اش روشن علمی‌اش می‌توان او را کامیاب از حقیقت و
 واصل به سر منزل مقصود تلقی کرد.

دکتر موسی چلباش که خود گفته است (نک. گفتگو با سیروس
 علی‌نژاد، مندرج در *حشورنامه* استاد دکتر محمدعلی موحد، انتشارات
 فرهنگستان زبان و ادب، سال ۱۳۸۰)، بر حسب آنچه پدرش در پشت
 قرآن خود یادداشت کرد در روز جمعه ۸ شوال ۱۳۴۱ قمری
 مطابق با ۲ خرداد ۱۳۰۲ شمسی در تبریز و در یک خانواده دیندار
 و با فرهنگ چشم به جهان گشوده است. پدرش سادروان حاجی
 یوسف دیلمقانی، به روزگار خود از معاریف بزرگان آذربایجان به
 شمار می‌آمده و در کار تجارت با روسیه و عثمانی بوده است و او در
 آشوب‌های جنگ جهانی اول متضرر شده و بازمانده شورش و
 موج‌خیز حوادث بولشویکی قفقاز از دست داده بود. دکتر موحد در
 مرور به خاطرات دوران کودکی از دو سه صندوق مملو از کتاب و
 مجله و دفتر مراسلات تجاری پدر یاد می‌کند که یادگارهای دوران

نشاط و رونق زندگانی وی بود. محتوای این صندوق‌ها از جمله دوره‌های روزنامه *حبل‌المتین*، *اختر*، *ثریا*، *مجله گنجینه فنون*، یک کلمه مستشارالدوله، کتاب *احمد طالبوف*، *سیاحتنامه ابراهیم بیگ میرزا زین العابدین مراغه‌ای*، *تفسیر کشف الحقایق میر محمدکریم قاضی باکو*، *روشنفکر اصلاح طلب پیش از تسلط بولشویک‌ها*، *کلیات سعدی*، *تذکره الشعرای دولت‌شاه*، *مرآة البلدان ناصری*، *نایب‌النوازش سپهر*، *تاریخ و صاف*، *تاریخ معجم*، *عین‌الحیوة مجلس اسرار الشهادة دربندی و...* بود. این جراید و کتاب‌ها مؤید اشتیاق او به تاریخ، ادبیات، متون دینی و مذهبی، و افکار و عقاید و رخدهای روزگار خود بود و او را بازرگان با فرهنگی می‌نمود از نسل بازرگانان فیلسوف دوست و دانش‌پرور آذربایجان که سوکمندانه در روزگار ماضی‌شان از آنان باقی نمانده است.

در نظر محمدعلی نوجوان آن روز، این صندوق‌ها گنجینه عظیمی می‌نمود و او با ولعی عجیب در میان آن اوراق پریشان می‌لولید و مادرش همیشه شکایت داشت که اگر او را به حال خود گذارند، شبانه‌روز از آن بالاخانه خلوت که صندوق کتاب‌ها در آن قرار داشت بیرون نمی‌آید.

ذکر نام این کتاب‌ها و روزنامه‌ها و اشاره به این بخش از خاطرات او را از آن رو ضروری دانستیم تا علاوه بر تسکین دادن محیط فرهنگی خانواده‌ای که دکتر موحد در آن بالیده است، به نکتۀ تأکید کنیم که او از همان دوره کودکی و اوان نوجوانی با آثار و عرصه‌های متنوعی انس و الفت داشته است و اگر در سالیان بعد

نیز همچنان حوزه‌های پرتنوعی را به پژوهش گرفته است نشان از همان الفت دیرین دارد. در حقیقت او از همان آغاز با پشتوانه میراث فرهنگی بازمانده از پدر گام در راهی نهاده است که امروز نیز پس از سالیان بسیار همچنان ادامه می‌دهد.

دکتر موحد دوره دبستان و دبیرستان را در تبریز گذراند و در پرتو تعلیم معلمان دانشمند آن روزگار شخصیت علمی و فکری‌اش شکل گرفت. او به یاد می‌آورد که در کلاس پنجم و ششم ابتدایی، معلم از کتاب مقالات جمالیه سیدجمال‌الدین اسدآبادی برای او و همکلاسی‌هایش می‌گفت و سیدهای سینا دبیر دانشمند آن روز در کلاس درس متون عربی دبیرستان، منتخباتی از نهج البلاغه و نوشته‌های عربی سیدجمال‌الدین اسدآبادی و از جمله نامه معروف او را به میرزای شیرازی برای آن تدریس می‌کرد. در همین دوره دبیرستان بود که او به افتخارهای کلاک‌ها و مباحث مذهبی و فرقه‌ای زمان به تعمیق مطالعات دینی خود همت گماشت. در این ایام چنان که خود می‌گوید با آثار شادروان شیخ محمدجواد بلاغی، متکلم و مفسر معروف مانند آلاء الرحمن الهی و دین المصطفی و... الفتی افزون‌تر داشت و از طریق مجله‌ها کتاب‌هایی که از مصر و لبنان به تبریز می‌رسید با تحولات فرهنگی و علمی و ادبی دنیای اسلام آشنایی می‌یافت و خطوط فکری متفاوتی که در نوشته‌های شیخ طنطاوی جوهری، رشید رضا، دارنده مجله معروف المنار و اسماعیل مظهر مدیر مجله العصور دنبال می‌شد هر یک به نوعی او را مشغول و مجذوب می‌داشت.

شاکله علمی دکتر موحد در همان سال‌های تحصیل در دبیرستان قوام یافت و در سال‌های بعد با اندوخته‌های جدید عمق و استحکام پذیرفت. هنوز تحصیلات دوره دبیرستان را به پایان نرسانیده بود که پدرش را از دست داد. وقتی در سال ۱۳۱۹ دیپلم شش ادبی را گرفت، ناگزیر از ادامه تحصیل صرف‌نظر کرد و برای تأمین معیشت خانواده به تجارت روی آورد. با این حال در این ایام عسرت نیز دست از مطالعه و تحقیق و ترجمه نکشید، چنان که در سال ۱۳۱۹ رساله منظومی به نام *پیرایه‌های اسلام* چاپ کرد و کتابی از سر ریاضی‌پسندۀ ترک، درباره قرآن ترجمه کرد. مقارن سال ۱۳۲۱ ملی شدن نفت به استخدام شرکت ملی نفت درآمد و سه سالی را در آبادان گذراند. در سال‌های نهضت ملی سردبیری روزنامه شرکت نفت را بر عهده داشت، با تغییر اوضاع به بخش حقوقی شرکت انتقال یافت. پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به تهران منتقل شد و کار خود را در همان بخش حقوقی که مدیریت آن را فؤاد روحانی برعهده داشت ادامه داد. در شرکت نفت با بسیاری از شخصیت‌های علمی و ادبی که بعدها نام و آوازه‌ای یافتند همکار بود، دکتر عبدالحسین علی‌بابائی، دکتر منوچهر بزرگمهر، فؤاد روحانی، ابراهیم گلستان، صادق حویلی، نجف دریابندری و... از آن جمله بودند. اقامت در تهران به وی امکان داد تا تحصیلات خود را در رشته حقوق دانشگاه تهران به پایان برساند. در سال ۱۳۳۸ برای آموزش و تحقیق در زمینه حقوق بین‌الملل عازم انگلستان شود. او که در این هنگام با انتشار ترجمه *سفرنامه*

این بطوطه و توضیحات و تعلیقات سودمندی که بر آن نوشته بود در میان فرهیختگان ایران به عنوان مترجمی دانشمند شناخته شده بود، در انگلستان فرصت یافت تا با دانشمندان و ایران‌شناسان نامداری از نزدیک آشنا شود و از این طریق بر اندوخته‌های علمی خود بیفزاید. او خود درباره این سال‌ها می‌گوید: «مدتی که در انگلستان بودم به رغم اشتغال خاطر با مسائل حقوقی، از امکانات وسیع آنجا در زمینه مطالعات اسلامی نیز بهره‌مند می‌شدم. کمبریج در آن زمان شهری به غایت آرام بود، آشنایی و مصاحبت در چنان محیط آرام با آدم‌هایی مثل پروفیسور آربری، مینورسکی، لیوی، لاکارت و محققان که همه در سنین کهنسالی بودند، بسیار مغتنم بود. ولندین بود که او را به دانشگاه تهران دعوت کردند، او که از موقت خود در شرکت نفت رضایت خاطر داشت این دعوت را پذیرفت. در طول سال‌های خدمت در بخش حقوقی شرکت نفت در حل و فصل بسیاری از دعاوی حقوقی مهم بین‌المللی ایران سهم ارزنده‌ای داشت، چنان‌که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی هم که او به بازنشستگی ملل آمد، بود، پرونده‌های پیچیده حقوقی به وی ارجاع می‌شد، پرونده‌هایی که با دانش و درایت حقوقی او به سود منافع ملی ایران خاتمه می‌یافتند. او در سال‌های خدمت در شرکت نفت و هم پس از بازنشستگی که فراغت افزون‌تری یافته بود هرگز مطالعه و تحقیق و تألیف را رها نکرد. حاصل پژوهش‌های او در بیش از بیست کتاب

انتشار یافته است که هر یک در حوزه خود اثری بدیع و محققانه به شمار می‌رود.

در اینجا مجال سخن گفتن از دقایق آثار و احوال و کارنامه پربار و بار او و نیز همه وجوه و جوانب شخصیت این دانشی‌مرد گرانمایه نیست. از این رو تنها به اشارتی چند در باب خصائل و خصائص او بسنده می‌کنیم و برای وقوف افزون‌تر به احوال و افکار و کارنامه درخشان علمی وی، خوانندگان گرامی را به مطالعه آثار ترجمانی‌شان و مقالاتی که در ارج‌نامه ایشان و در باب معرفی این استاد فرهیخته و دین‌دار در کتاب با قافله شوق گرد آمده است فرا می‌خوانیم:

۱- دکتر موحد از استادان بزرگان علم و ادب این سرزمین است که از پشتوانه فرهنگی و علمی فراخ و ژرفی برخوردار است، در عین حال که از دانش و اندیشه اصیل و بصیبتی به کمال برده است، ریشه در اعماق تاریخ و فرهنگ دارد. اشراف او بر معارف دینی و فرهنگ و تمدن اسلام و ایران کم‌نظیر است. نگاه و دید و دریافتش امروزی است اما برخلاف بسیاری از روزیان، ژرف‌کاو و همه‌سونگر و جامع‌الاطراف است، و بهر حد از سنت فکری، فرهنگی و علمی دیرپا و کهنسال این مرز و بوم. همه‌های مثبت سنت و تجدّد در وجود او به توازن رسیده است. با نگرش ژرف و دانش‌ورانه امروز، اعماق تاریخ و فرهنگ اعصار دوردست را می‌کاود و می‌شکافد و از گنجینه‌های نهفته در آن سوی قرن‌ها گهرهای گرانبها فراهم می‌آورد تا بتوان با بهره‌مندی از آنها به

زندگی انسان معاصر معنا بخشید و حال و آینده را بر بنیاد حق و عدالت و مهر و عطوفت استوار داشت.

۲- او در کهنسالی همچنان فکر و جان جوان دارد و دل در گرو انسان و انسانیت؛ ایمان و آرمان و اعتدال در وجود او ترکیب خوشی یافته است. شور و ایمان و آرمان خواهی جوانان را با اعتدال و کاردانی پیران که حاصل آموخته‌ها، اندوخته‌ها و تجربه‌های بسیار سالیان است درهم آمیخته است. از سنخ آن دانشورانی نیست که بی‌تعطیل و بی‌تعبیر و بی‌تجربگی، خود را در پس کتاب و علم از دردسر آزادی و عدالت و انصاف و آبرومندانه مصون و پنهان دارد و غور در دقائق علم و دانش را مانده غلام، بی‌اعتنایی و بی‌بسی خبری از آنچه در زمان او می‌گذرد و قرار دهد. او همچنان به انسان می‌اندیشد و به حقوق او و به جامع‌های مبتنی بر بنیاد معنویت و عاری از تباهی.

۳- دکتر موحد با وجود دانش وسیع و آگاهی‌های بسیار، همانند فرزندانگان اعصار دوردست کم‌کوی است و البته گزیده‌گوی هم. معاشران و همکارانش همه بر این خصایص او واقفند و گواه؛ او بسیار بیش از آنکه سخن بگوید، گوش می‌دهد و آنچه لذتی می‌برد از این گوش دادن. باید او را با پرسش‌های پیل و راند سیده بر سر حرف آورد. تائب به سخن بگشاید آنگاه معلوم می‌شود چه نکته‌های بدیعی برای گفتن داشته و نمی‌گفته است. همواره در تامل سخن می‌گوید و گاهی کلام را با چاشنی ملایمی از طنز می‌آمیزد، جملاتش غالباً کوتاه است و سنجیده و گزیده، همانند کلمات قصار بزرگان دین و عرفان.

۴ - حوزه‌های متنوعی که دکتر موحد در طول سالیان به پژوهش گرفته است، گواه تنوع علائق و ابعاد شخصیت اوست. آنچه در این میان مایه شگفتی است، مهارت و چیره‌دستی و دانش ژرف او در همه این حوزه‌های متنوع است. او استاد بی‌بدیل حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق نفت است، عرفان پژوهی کم‌نظیر است، هم مولوی‌شناس است و هم ابن‌عربی‌شناس، سهم او در شناساندن برای ناسخخانه شمس تبریز و مقالات او بیش از همه عرفان‌پروهان است. به موازات همه این‌ها، از یک سو دلبسته تاریخ و تاریخ‌دوست است و از سوی دیگر دلبسته محیط زیست و اندیشک‌ازمی‌مبانی انسان معاصر و در اندیشه تبیین نسبت انرژی و عدالت در عصر تحقیقات تاریخی و بررسی و نقد اسناد هم، به ویژه آنجا که پای منابع ملی و وحدت سرزمینی به میان می‌آید، دقیق است و پرحوصله و جداس. کتاب مبالغه مستعار او در نقد اسناد تاریخی و رد ادعای دولت امارات بر مالکیت سه جزیره ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و بوموسی، گواه این دقت و حوصله است.

او محقق ژرفکاو، مصحح تمیزین و مترجم زبردستی است، مردی ذوالفنون است، در این میان، رشته‌ای همه این حوزه‌های متنوع را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آن تعهد او نسبت به سرنوشت انسان و جامعه است و همین ویژگی است که به او تشویق می‌بخشد و امتیازی بر بسیاری از همگنان و اقران.

۵ - دکتر موحد چنان که از گفتگوی او با سیروس علی‌نژاد برمی‌آید هرگز نازپرورد تنعم نبوده است. او آن جوانی را به تنگدستی سر کرده است. با کوشش و تلاش، عائله پدر را به سامانی رسانده است و عائله خود را هم؛ بعدها که از رهگذر تخصص بی‌بدیل حقوقی خود و پس از عمری کار و جد و جهد اندوخته‌ای فراهم آورده است، بخش قابل توجه آن را صرف پیشبردش فرهنگ کرده است. دبیرستان وسیع، مجهز و آبدار مندی را او با هزینه شخصی خود در منطقه یاغچیان تبریز ساخت و به آنجا آموزش و پرورش واگذار کرده است، نمونه‌ای از اقدامات خیرخواهانه و فرهنگ‌پرورانه اوست. دکتر موحد با همه دشواری سفر، همه ساله که از برای رفع نیازها و کمبودهای مدرسه به تبریز می‌آید هنگامی که دانش‌آموزان مدرسه او را احاطه می‌کنند و هر یک با نگاه مهربان و زبانش صمیمی و معصومانه خویش بی‌هیچ تکلفی با او سخن می‌گویند و حل مشکلات و کمبودهای دبیرستان خود را از او می‌طلبند، تماشایی است. دانش‌آموزان او را چون پدربزرگ خود دوست دارند و او آنها را چون فرزندان و نوادگان خویش. مرد، روح لطیفی دارد سرشار از مهر و عاطفه، چنین مردی شایسته ارج و تکریم است.

اینک مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز (سه علامه تبریزی) مفتخر است که همزمان با تدوین و انتشار ارج‌نامه دکتر موحد، با انتشار کتاب‌شناسی توصیفی آثار ایشان و برگزاری مجلس تجلیل و تکریم از یک عمر کوشش صادقانه و

تکاپوی ارجمند یکی از مفاخر ایران و آذربایجان در راه اعتلای دانش و اندیشه و دفاع از منافع ملی و وحدت سرزمینی ایران عزیز قدردانی کند. خداوند بزرگ را سپاسگزاریم که چنین توفیقی را بر ما عنایت کرد تا نام بزرگی را به «بزرگی» ببریم و متناسب با بضاعت اندک خویش با فراهم آوردن این اثر مراتب سپاس بی‌شائبه خود و فرزندان و فرهیختگان آذربایجان را به این استاد گرانقدر و برادرانه اعلام داریم.

دوین کتاب‌شناسی توصیفی آثار استاد دکتر محمدعلی موحد توسط ویراستار از پژوهشگران دانشگاه تبریز جناب آقای علی سلمی و جناب آقای محمدطاهری خسروشاهی صورت گرفته است. از کوشش‌های مضایقه ایشان قدردانی می‌کنیم و مزید توفیقاتشان را از درگاه الهی خواهانیم.

همزمان با تدوین ارج‌نامه دکتر موحد (با قافله شوق) و کتاب شمع جادوی امید (ویژه‌نامه مراسم نکوداشت استاد) و نیز این کتاب‌شناسی، نشست‌های مشترکی به منظور تجلیل از خدمات فرهنگی و اجتماعی استاد، در مجلس مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی- انسانی دانشگاه تبریز برگزار می‌گردد. در امور علمی و اجرایی همایش، از همکاری صمیمانه اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشگاه به ویژه استادان: خانم‌ها ذکر معین کن، دکتر پویای ایرانی، دکتر رسمی و آقایان دکتر واحد و دکتر اسلامی بهره‌مند شدیم. از الطاف ایشان سپاسگزاری می‌کنیم.

مقدمه

همچنین از هنروران خوش ذوق و کارکنان محترم مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز که این مجموعه با دقت نظر و بردباری آنان سامان پذیرفت سپاسگزاریم.

قدردانی از پیگیری‌های مجدانه و حمایت‌های برادر ارجمند جناب آقای دکتر علی اکبر صفی پور مدیر محترم کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان شرقی در انتشار این اثر عین فرض است.

رئیس محترم دانشگاه تبریز جناب آقای دکتر محمدرضا پورمحمدی و آقای دکتر سیدمحمدتقی علوی و آقای دکتر پرویز آژیده از اعضای هیأت امناء این دانشگاه با مساعدت‌های بی‌شائبه خود، در فراهم آمدن این مجموعه سهم ارزنده‌ای داشتند. قدردان اهتمام این بزرگواران نیز هستیم.

در پایان لازم می‌دانیم از مساعدت محترم پژوهش و فناوری و مدیر محترم انتشارات دانشگاه تبریز که به همت ایشان این کتاب‌شناسی به زیور طبع آراسته شده است، قدردانی کنیم.

دکتر باقر صدری‌نیا

دکتر عباس عباس‌زاده

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات فارسی

رئیس مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی

دانشگاه تبریز

دانشگاه تبریز

دبیر همایش نکوداشت استاد موحّد